

باسمه تعالی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کاربرگ طرحنامه پژوهشی  
(Proposal)

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی‌کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می‌داند.

عنوان طرح: گستره زبان فارسی در افغانستان (با محوریت شاهنامه فردوسی)

ارائه‌دهنده: \*\*\*

خلاصه طرح

تحقیقی که با عنوان «جای‌گاه شاهنامه فردوسی در قلمرو زبان فارسی در افغانستان» نوشته خواهد شد؛ جای‌گاه شاهنامه فردوسی را در بستر زبان فارسی در افغانستان، بررسی خواهد کرد. چون فردوسی، به عنوان تأثیرگذارترین شاعر و اندیشه‌ورز حوزه زبان و فرهنگ فارسی، در «ذهن و زبان» مردم و شاعران افغانستانی حضور دارد. این حضور، در عین حال که بدیهی به

نظر می‌رسد؛ باز هم درخور تأمل به نظر می‌رسد و نیازمند تحلیل و بررسی است. زیرا، اهمیت معرفت‌شناختی اسطوره‌ای، تاریخی، حماسی، زیبایی‌شناختی و فولکلوریک (Folkloric) فراوان دارد. به بیان دیگر، شاه‌نامه صرفاً یک متن منظوم به معنای متعارف آن نیست؛ بلکه بیانگر درون‌مایه فرهنگ زبان فارسی به معنای دقیق کلمه است که از دیر زمان در این قلمرو تمدنی و فرهنگی نفوذ داشته است. در این تحقیق، نوعیت حضور اشعار شاه‌نامه فردوسی در میان شاعران افغانستانی به عنوان نخبگان ادبی و فرهنگی، متون درسی مدرسه و دانشگاه به عنوان کانون‌های علمی و فرهنگ‌ساز، اسناد رسمی و دولتی و یا زبان قدرت، نشریات و روزنامه‌ها و امثال و حکم رایج در زبان عامیانه بررسی خواهد شد. این مهم، با استفاده از نظریات رایج در عرصه تحلیل ادبیات و از روش کیفی و اسنادی انجام می‌گیرد.

تکمیل توسط پژوهشگر

تاریخ ارائه: مدت اجرا: یک سال بودجه پیشنهادی: ۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰

ویرایش اول:  دوم:  سوم:  چهارم:

پژوهشگر: فرهنگ، هنر و ارتباطات. گروه پژوهشی:

محور پژوهشی مرتبط با طرح (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

موضوع مرتبط با محور (بر اساس برنامه پژوهشی سال جاری)

\* نوع پژوهش: بنیادی  کاربردی  توسعه‌ای

\* پژوهش بنیادی: پژوهشی است که در جهت گسترش مرزهای دانش بدون در نظر گرفتن استفاده عملی خاص برای کاربرد آن انجام می‌گیرد.

پژوهش کاربردی: پژوهشی است که استفاده عملی خاصی برای نتایج آن منظور می‌شود و غالباً هم جنبه تجربی و هم جنبه نظری دارد.

پژوهش توسعه‌ای: پژوهشی است که بیشتر جنبه تجربی دارد و به نوآوری یا بهبود در روش‌ها و مکانیزم‌ها و محصولات منجر می‌شود.

مشخصات مجری یا مدیر طرح

\*\*\*

## ۱. بیان مسأله (معرفی دقیق ابعاد موضوع و سؤال(های) تحقیق)

فارسی زبان‌ها، سخن‌گراترین مردم هستند. اندیشه‌ورزی انسان فارسی زبان، در کلبه ادبیات اتفاق افتاده است و چمدان فرهنگی آن، انباشته از کالای ادبی است. این ویژگی نه تنها در شعر و نثر وجود دارد بلکه در رسالت و انسان‌شناسی دینی نیز، نگاه، نگاه سخن‌گرایانه است تا مؤلفه‌های دیگر. وقتی در قرآن کریم می‌خوانیم: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (آیات ۱۷-۱۸ سوره زمر) این آیات در گام نخست، نفس سخن‌شنوی و به تبع آن، گزینش سخن خوب از بد را مطرح می‌کند و آن زمان می‌گوید؛ چنین انسان‌هایی هدایت‌شده و صاحب خرد اند. یعنی خردمند بودن و هدایت‌شدن، در پرتو سخن شنیدن و سپس سخن خوب را برگزیدن می‌آید. اگر کسی بپرسد چه کسانی خردمند اند و شامل هدایت خدا خواهد شدند؟ پاسخ این آیات این است: کسانی که سخن می‌شنوند و پس از آن سخن خوب را انتخاب می‌کنند. علاوه بر آن، انسان نمی‌تواند در هیچ حالتی خود را از اسارت کلمات و الفاظ جدا نماید؛ حتی در اندیشیدن. چنانکه منطقیان از این تنگ‌نا شکوه نموده و چنین بیان می‌دارند: «منطقی در بند بحث لفظی نیست/لیک بحث لفظی او را عارضیست.» عارفان نیز به این موضوع آگاهی داشته‌اند. آنجا که مولوی می‌گوید: «حرف و صوت و گفت را برهم زخم/تا که بی این هر سه با تو دم زخم/دفتر صوفی سواد و حرف نیست/جز دل اسپید همچون برف نیست.» یا وقتی به گونه دیگر از تنگنایی زبان سخن می‌گوید: «یک دهان خواهیم به پهنای فلک/تا بگویم وصف رشک آن ملک.» بدون تردید، نوع الفاظ، نوع اندیشه‌ورزی انسان را شکل و جهت می‌دهد. به همین خاطر، خیلی از محققان حوزه مطالعات فرهنگی، از جمله بارکر، زبان و فرهنگ را یکی می‌انگارند.

این سخن‌گرایی در زبان فارسی، در گستره وسیع معرفت‌شناختی با زبان خیال‌انگیز اتفاق افتاده است و تنها در حوزه ادبیات محدود نمانده است.

حتی تاریخ در زبان فارسی، لحن و سبک ادبی دارد. درست است که محتوای تاریخ بیهقی، جهانگشای جوینی... روی- دادهای تاریخی‌اند، ولی سبک آن ادبی است و بیش‌تر از علم تاریخ، در حوزه ادبیات، ادب‌پژوهان را به تأمل وادارند تا با تفتن، بعد ادبی این متون تاریخی را دریابند.

اندیشه‌ورزان زبان فارسی، پیش و بیش از هر چیز، قدرت و ظرفیت بازتولید هم‌گرایی را دارند. هم از نظر محتوایی و هم از نظر زیبایی‌شناختی، جذابیت منحصر به فرد را در جهت گرد هم آوردن فارسی زبان‌ها دارا اند.

ولی پس از ظهور مفاهیم مدرن، مانند ملت، نژاد و کشور... یک تغییر ژرف در نحوه همزیستی انسان‌ها به وجود آمد. تغییری که یکی از پیامدهایش فصل‌کردن بزرگانی شد که برای وصل کردن آمده بودند. شبان‌هایی که بدون آداب و ترتیب دست و پاگیر و کسل‌کننده، باران اندیشه را در سرزمین دل‌ها می‌باراند و کوه‌های تاجر و منجمدشده را ناگزیر به فروریزی می‌کردند. اما در تقاطع ورود مفاهیم جهان جدید، آسیب دیدند.

لذا، نباید موضوعی که اندیشه‌ورزان زبان فارسی در کجایی از جغرافیایی کنونی رخ در نقاب خاک کشیده‌اند؛ باعث افتراق شود و حتی این افتراق، تبدیل به گفتمان غالب گردد. فردوسی، عطار، سنایی، مولوی، سعدی، حافظ... پیشگامان یک تمدن، فرهنگ و اندیشه مرتبط به هم‌اند. هر فرهنگ و جامعه‌ای که اندیشه این بزرگان را پرورش دهند و به جهان و دیگر ملت‌ها معرفی کنند؛ این تمدن و فرهنگ، مال همان کشور و جامعه‌اند و الا آرامگاه رودکی در تاجیکستان، آرامگاه انوری در ترکمنستان، آرامگاه مولوی در قونیه و از بیدل در هند اند.

واقعیت انکارناپذیر عصر کنونی، این است که کانون زبان فارسی و مهد پرورش ذخیره فرهنگی این زبان، جمهوری اسلامی

ایران است و گونه‌های فارسی دری (در افغانستان) و فارسی تاجیکی (در تاجیکستان) از این کانون زبانی، در بخش‌های مختلف سود می‌برند. از طرفی، زبان فارسی، دومین زبان در جهان اسلام است. قدرت سیاسی، مهم‌ترین پشتوانه بیرونی برای یک زبان است و جمهوری اسلامی ایران، این توانایی حمایتی را از زبان فارسی دارد. علاوه بر آن، زبان فارسی یک زبان نیست، بلکه اساساً یک فرهنگ دیرپا و ذخیره معرفتی و معنوی است که از گذشته‌های دور به جا مانده است. از این رو، سخن از زبان فارسی و پیشگامان آن در حقیقت، سخن از یک فرهنگ و حاملان آن می‌باشد.

افغانستان، بخشی از ایران فرهنگی-تاریخی است. زبان فارسی هویت مشترک این فلات فرهنگی می‌باشد. در افغانستان، نه تنها گویندگان فارسی‌زبان به زبان فارسی صحبت می‌کنند، بلکه کسانی که زبان اصلی شان، پشتو، اوزبیک و پشه‌ای اند نیز به فارسی سخن می‌گویند و از این فرهنگ متأثر هستند.

به تبعیت از این فضای فرهنگی، اکثریت قاطع شاعران افغانستانی به زبان فارسی شعر گفته‌اند. بنابر این، گستره زبان فارسی در افغانستان، تنها محدود به دو قوم هزاره و تاجیک نیست.

زبان فارسی، با مفاهیم غنی و اگزیستانسیلی (Existentialism) که در خود دارد؛ شناخته می‌شود و گسترش پیدا کرده است. در نبود این مفاهیم، صدف تهی‌ای بیش نیست. بخش عظیمی این مفاهیم، توسط فردوسی، خلق شده است. این شاعر بی‌نظیر حوزه تمدنی زبان فارسی، به تعبیر هگل (Hegel) پارادایم‌هایی (Paradigm) را خلق کردند. یا به قول مارتین هایدگر (Martin Heidegger)، هستی‌هایی را ایجاد نمود که نه تنها در زمان خودش هستی‌های غالب بودند، بلکه هستی‌های در زمانی اند و همیشه ماندگار خواهد بود. به سخن داریوش شایگان، اقلیم خلق شده توسط فردوسی، مصداق همان گفتمان (Discourse) مسلط میشل‌فوکویی (Michel Foucault) است که در قفا و پیرامون خودش، گفتمان‌های پیرامونی را ایجاد کرده و می‌کند.

به همین لحاظ، کم‌تر شاعر فارسی‌زبانی را سراغ داریم که در اقلیم شاعرانه فردوسی نفس نکشیده باشد.

با توجه به آنچه بیان شد موضوع این تحقیق «جای‌گاه شاهنامه فردوسی در قلمرو زبان فارسی در افغانستان» است. به عبارتی، این پژوهش، زبان‌محور است و گستره زبان فارسی را در جغرافیای افغانستان با نگاه معطوف به شاهنامه فردوسی بررسی می‌کند. به دلیل دشواری کار میدانی مستقیم، در این تحقیق، مدخل‌هایی انتخاب شده اند که جای‌گاه و میزان حضور شاهنامه را در فرهنگ عمومی و زبان رایج افغانستان نشان می‌دهد. یکی از این مدخل‌ها میزان حضور شاهنامه فردوسی در آثار شاعران افغانستانی است. چون شاهنامه اهمیت اسطوره‌ای، حماسی، تاریخی و ادبی دارد. همچنان در متون درسی مقاطع مختلف نظام آموزشی افغانستان (مدرسه و دانشگاه) به عنوان کانون‌های علمی و فرهنگ‌ساز بررسی خواهد شد. چون شاهنامه، مهم‌ترین متن در راستایی بقای زبان فارسی بوده و مشحون از نکات آموزنده و حکمی است. به سخن خود فردوسی «پی افکندم از نظم کاخی بلند/ که از باد و باران نیابد گزند/ هران کس که دارد هُش و رای و دین/ پس از مرگ بر من کند آفرین.» علاوه بر آن، میزان تأثیرگذاری شاهنامه بر امثال و حکم مردم افغانستان نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. همچنان، نوعیت تأثیرپذیری روزنامه‌ها و مجلات افغانستان از شاهنامه، نیز مورد توجه خواهد بود. جای‌گاه شاهنامه فردوسی در اسناد رسمی و زبان قدرت، مدخلی دیگری است که برای بررسی جای‌گاه فردوسی در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود. با استفاده از موارد فوق، می‌توان گستره حضور فردوسی را در افغانستان تبیین نمود. بنابراین، سوال‌های این تحقیق به شرح زیر است:

سوال اصلی: جای‌گاه شاهنامه فردوسی در قلمرو زبان فارسی در افغانستان چگونه است؟

سوال‌های فرعی:

الف) جای‌گاه شاه‌نامهٔ فردوسی در میان شاعران افغانستانی چگونه است؟

ب) جای‌گاه شاه‌نامهٔ فردوسی در متون درسی نظام آموزشی افغانستان در مدرسه و دانشگاه چگونه است؟

پ) جای‌گاه شاه‌نامهٔ فردوسی در امثال و حکم مردم افغانستان تا چه حد است؟

ت) جای‌گاه شاه‌نامهٔ فردوسی در اسناد رسمی و یا زبان قدرت چگونه است؟

ث) جای‌گاه شاه‌نامهٔ فردوسی در میان روزنامه‌ها و مجله‌ها چگونه است؟

---

## ۲. اهمیت، ضرورت و اهداف تحقیق

مشکل افغانستان، مشکل فرهنگی است. اهمیت این تحقیق این است که نگاه معطوف به فرهنگ(آن هم با تکیه به زبان فارسی در افغانستان) دارد. این تحقیق در حد خود، کوششی است در جهت همگرایی فرهنگی بین دو ملت افغانستان و ایران. ریشه‌های مشترک تاریخی، فرهنگی و زبانی دو ملت را برجسته می‌کند و با هم پیوند می‌زند. نقاط وحدت‌آفرین را قوت می‌بخشد. همچنان به گسترش زبان فارسی و معرفی چهره‌های ماندگار این زبان کمک خواهد کرد.

آنچه ضرورت این تحقیق را بیش از پیش، برجسته می‌کند این است که تا هنوز پژوهشی نظام‌مند در زمینه معرفی فردوسی در افغانستان صورت نگرفته است. حال آنکه شرایط فرهنگی و تاریخی دو کشور ایران و افغانستان اقتضا می‌کند تا پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شوند. چنین پژوهش‌هایی در همگرایی و برجسته‌سازی نقاط مشترک فرهنگی و تاریخی دو کشور، امری لازم است. همچنان، اینگونه تحقیقات در احیای گذشته نیز، فوق‌العاده ارزشمند است.

هدف اصلی در این تحقیق، تبیین اهمیت و جای‌گاه شاه‌نامه فردوسی در افغانستان خواهد بود. این مهم، در پنج ساحت بررسی خواهد شد و این ساحت‌ها عبارت‌اند از: آثار شاعران افغانستانی، نظام آموزشی افغانستان (مدرسه و دانشگاه)، امثال و حکم (فولکلور) مردم افغانستان، اسناد رسمی دولتی و زبان قدرت و نشریات و مجلات افغانستان. علاوه بر آن، استفاده از ریشه‌های فرهنگی مشترک در برنامه‌های راهبردی به منظور خروج از بحران کنونی، هدف دیگری است که این تحقیق دنبال می‌نماید.

## ۳. بررسی ادبیات موضوع (پیشینه تحقیق و نوآوری تحقیق حاضر)

پیرامون فردوسی، در ایران به تعداد ده‌ها کتاب و صدها مقاله علمی-پژوهشی نوشته شده است که نیاز به گفتن ندارد. گرچند در افغانستان به گونه پراکنده کارهایی صورت گرفته است. در کتاب‌های مربوط به تاریخ ادبیات به شاه‌نامه پرداخته شده است. همچنان در مضامین دانشگاهی در مقطع‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی، روی اشعار فردوسی، غور صورت گرفته است. به عنوان نمونه در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل، مضمونی با عنوان «فردوسی‌شناسی» در مقطع کارشناسی تدریس می‌شود. همچنان در مقطع کارشناسی ارشد، مضمون «ادبیات حماسی» تدریس می‌شود.

اما تا هنوز یک کار مشخص به گونه نظام‌مند و طبقه‌بندی شده تا جایی که نگارنده اطلاع دارد؛ صورت نگرفته است. نوآوری این تحقیق در این است که تلاش خواهد ورزید تا میزان تأثیرگذاری فردوسی را در حوزه‌های مشخص فرهنگی در افغانستان به گونه نظام‌مند بررسی کند.

#### ۴. چهارچوب نظری، فرضیه‌ها یا ابعاد پژوهش

چهارچوب نظری و ابعاد این پژوهش، حوزه ادبیات فارسی، آن هم در بخش شعر و نظم را شامل می‌شود. در حوزه شعر و نظم، مشخصاً ژانرهای (genre) اسطوره‌ای، حماسی، تاریخی و فولکلوریک را در مطابقت با شاهنامه فردوسی در بر می‌گیرد. چون فردوسی، اسطوره و حماسه‌سرا بود. او تاریخ را با زبان نظم بیان کرده است. نکات اندرزگونه نیز در شاهنامه کم نیست. به صورت کلی، موارد ذیل را به عنوان ابعاد این پژوهش می‌شود در نظر گرفت:

الف) آثار شاعران برجسته؛

ب) متون آموزشی؛

پ) امثال و حکم عامیانه؛

ت) زبان و اسناد رسمی و ادبیات قدرت؛

ث) روزنامه‌ها و مجله‌ها؛

#### ۵. متغیرها یا مفاهیم اساسی تحقیق و تعریف عملیاتی آن‌ها

مفاهیم اصلی در این تحقیق، جای‌گاه زبان فارسی با محوریت شاهنامه فردوسی در افغانستان است. همچنان وابستگی و همذات‌پنداری مردم با شاهنامه فردوسی. اینکه تا چه حد مردم افغانستان به شاهنامه فردوسی وابسته اند و شاهنامه می‌خوانند. چقدر، نخبگان در سخنرانی‌های شان از ابیات فردوسی استفاده می‌کنند و ادعاهای شان را به ابیات شاهنامه استناد می‌کنند. وقتی متولیان آموزش و پرورش سخن از دانایی می‌زنند و مردم را به فراگیری دانش تشویق می‌کنند؛ با این بیت فردوسی «توانا بود هرکه دانا بود/ دانش دل پیر برنا بود» سخن شان را آغاز می‌کنند. روزنامه‌ها و مجله‌ها چقدر از شاهنامه متأثر اند؟ ریشه این وابستگی و تأثیرپذیری در چه چیز است؟ حتی این همذات‌پنداری در بین طبقه کم‌سواد جامعه عمیق‌تر و صادق‌تر از طبقه دارنده سواد در سطوح دانشگاهی است. پاسخ پرسش‌های فوق، با بررسی آثار شاعران افغانستانی، متون نظام آموزشی افغانستان، امثال حکم مردم افغانستان، اسناد رسمی و ادبیات قدرت و روزنامه‌ها و مجله‌ها، تا حدودی روشن خواهد شد.

۶. واژه‌های کلیدی (متفاوت از واژه‌های مندرج در عنوان طرح): واژگان کلیدی این‌ها بوده می‌تواند: شاهنامه، زبان فارسی، همگرایی زبانی، شعر و نظم، امثال حکم، زبان قدرت.

#### ۷. نقاط تمرکز تحقیق (موضوعی، مکانی، زمانی)

از نظر موضوع، شاهنامه فردوسی است. از نظر مکانی، تمرکز اصلی روی افغانستان است. از نظر زمانی، زمانی را در بر می‌گیرد که افغانستان امروزی شکل گرفت. یعنی از ۱۷۴۷ میلادی به این طرف. اما نکته قابل یادآوری این است که از یک طرف، بیشتر شاعران قرن‌های هجده، نوزده و نیمه اول قرن بیستم میلادی از فردوسی، تأثیرپذیر بوده اند. اما هر قدر به زمان حال نزدیک می‌شویم؛ این تأثیرپذیری چه از نگاه فرم و چه از نگاه محتوا و زیبایی‌شناختی کم‌تر شده می‌رود. به جای آن، تأثیر نیمایوشیج را آدم به وضوح می‌بیند تا فردوسی و این یک مشکل است که در این پژوهش وجود دارد. زیرا ساحت زمانی آن بسیار گسترده است. اصلاً شبیه تاریخ ادبیات می‌باشد.

تنها راهی که برای پژوهش‌گر باقی می‌ماند این است که به صورت گزینشی آثار شاعران مشهور را، از دوره‌های مختلف انتخاب کند. همچنان، با مطالعه متون آموزشی، امثال و حکم، بررسی اسناد رسمی اداری و روزنامه‌ها و مجله‌ها، نقش و جای‌گاه شاه‌نامه فردوسی را در متن مردم به کنکاش بگیرد.

## ۸. روش شناسی پژوهش

نظر به فصل‌های این پژوهش، روش کار این‌گونه خواهد بود:

الف) در بخش شاعران: آثار تعدادی از شاعران افغانستانی که بیش‌ترین اثرپذیری را از شاه‌نامه فردوسی دارند؛ بررسی خواهد شد. نحوه انتخاب این شاعران چند چیز بوده می‌تواند: اول، میزان تأثیرپذیری از شاه‌نامه. دوم، اهمیت ادبی و شاعرانگی این آثار. سوم، حجم آثار یک شاعر و اینکه یک شاعر از نظر زمانی بیش‌ترین وقتش را برای کارهای فرهنگی و ادبی سپری کرده باشد. چون در افغانستان کم‌تر کسی پیدا می‌شود که تمام وقت و همه عمرش را صرف کار فرهنگی و ادبی کرده باشد. چهارم، با توجه به ساختار قبیله‌ای و زبانی در افغانستان، کوشش خواهد شد تا شاعران، از اقوام و زبان‌های مختلف انتخاب شوند. همچنان در کنار بررسی آثار شاعران، با خود شاعران نیز مصاحبه خواهد شد.

ب) در بخش متون آموزشی در سطح مدرسه و دانشگاه: متن‌های آموزشی از دوره‌های مختلف مطالعه خواهد شد و ابیاتی که از شاه‌نامه اند یا حکایاتی که به زبان نثر از شاه‌نامه روایت شده اند؛ مستندسازی خواهد شد. همچنان، سبک نگارش این متن‌ها بررسی خواهد شد که تا چه حد از سبک حماسی متأثر است. در کنار آن، برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت آموزشی وزارت آموزش و پرورش (وزارت معارف) افغانستان مطالعه خواهد شد. دوم، در مضامین و متون درسی مربوط به دوره دانشگاهی در افغانستان بررسی خواهد شد و این مرحله مربوط وزارت علوم (تحصیلات عالی) افغانستان می‌شود. این مرحله، شامل دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد خواهد شد.

پ) در بخش امثال و حکم: از آنجایی که بخشی از باورها، خواست‌ها، رؤیایها و اندرزهای مردم، در امثال و حکم آن انعکاس پیدا می‌کنند. امثال و حکم هر ملتی، حاوی ذوق و اندیشه گروهی و متأثر از اندیشه اندیشمندان آن جامعه است. در این بخش تحقیق، نوعیت حضور شاه‌نامه در امثال و حکم مردم افغانستان، مطمح نظر خواهد بود. به همین منظور، کتاب‌هایی که مربوط امثال و حکم مردم افغانستان اند؛ مطالعه خواهد شد. با افراد خبره و دانا در زمینه فرهنگ عامیانه (فولکلور) مصاحبه صورت خواهد گرفت و همچنان با پیرمردان و پیرزنان نیز مصاحبه خواهد شد.

ت) در بخش اسناد اداری و زبان قدرت: اسناد و مدارک حکومتی و مراسلات اداری در ادوار مختلف بررسی خواهد شد. سخنرانی رییس‌ان جمهور و کسانی که در رأس قدرت بوده اند؛ مانند رهبران سیاسی و وزیران... گوش داده خواهد شد. این کار به هدف آن صورت می‌گیرد که این اشخاص تا چه حد از ابیات شاه‌نامه در سخنان خود استفاده کرده اند و با لحن حماسی سخنرانی می‌کنند. یا به مفاهیم و گذشته‌های اسطوره‌ای، حماسی و تاریخی اشاره می‌کنند و به آن فخر می‌ورزند.

ث) در بخش روزنامه‌ها و مجلات: روزنامه‌های معتبر افغانستان که حد اقل برای چندسال نشرات منظم داشته اند بررسی خواهد شد. همچنان، مجله‌های ادبی که در نهادهایی چون: دانشگاه‌ها، آکادمی علوم افغانستان و دیگر نهادها به نشر رسیده اند؛ مورد بررسی خواهد قرار گرفت.



## ۹. روش تحقیق

[ توصیفی  ] [ تحلیلی  ] [ کمی  ] [ کیفی  ]

توضیح: داده‌ها که شامل متن، مصاحبه و سخنرانی می‌شوند؛ جمع آوری خواهد شد. با توجه به محتوای تحقیق، تجزیه و تحلیل این داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

## ۱۰. شیوه گردآوری اطلاعات

کتابخانه‌ای  مشاهده  مصاحبه  پرسشنامه   
سایر  لطفاً ذکر شود.

## ۱۱. فنون توصیف داده‌ها (آمار توصیفی)

پس از مطالعه شاهنامه فردوسی و همچنان مطالعه آثار شاعران افغانستانی، متون آموزشی، امثال و حکم، بررسی اسناد و مدارک، بررسی روزنامه‌ها و مجلات و انجام مصاحبه با نخبگان و شاعران، فیش‌برداری و نمونه‌نویسی می‌شود و سپس به تحلیل موضوع پرداخته خواهد شد.

## ۱۲. فنون تحلیل داده‌ها (آمار استنباطی)

۱۳. جامعه آماری (این تحقیق با بررسی یا مطالعه یا مشاهده چه اسناد، مدارک، افراد یا اشیایی اجرا می‌شود؟)  
این تحقیق، کتاب، دفتر، لپ‌تاب، امکانات مصاحبه کردن... ضرورت دارد.

۱۴. نمونه‌گیری: تمام شماری می‌شود  انجام نمی‌گیرد  انجام می‌گیرد   
نمونه‌گیری به روش با حجم یا تعداد نمونه انجام می‌پذیرد.

## ۱۵. سازماندهی پژوهش (فصل‌بندی)

این تحقیق، دارای هفت فصل خواهد بود:

۱. فصل اول: کلیات و مفاهیم تحقیق؛
۲. فصل دوم: جای‌گاه شاهنامه فردوسی در میان شاعران افغانستان؛
۳. فصل سوم: جای‌گاه شاهنامه فردوسی در متون آموزشی افغانستان؛
۴. فصل چهارم: جای‌گاه شاهنامه فردوسی در امثال و حکم مردم افغانستان؛
۵. فصل پنجم: جای‌گاه شاهنامه فردوسی در اسناد رسمی دولتی و زبان قدرت؛
۶. فصل ششم: جای‌گاه شاهنامه فردوسی در روزنامه‌ها و مجله‌ها؛

۷. فصل هفتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

۱۶. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی: ۲۵۰ صفحه، صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای.

۱۷. نتایج قابل انتظار از طرح:

۱. رفع مشکل اصلی دستگاه متبوع
۲. فراهم آوردن دانش فنی کاربردی
۳. تهیه سند راهبردی
۴. تهیه آیین‌نامه، دستورالعمل یا استاندارد
۵. تدوین طرح جامع
۶. سایر موارد ذکر شود: نتیجه‌های قابل انتظار از این تحقیق، نکات آتی می‌تواند باشند: نزدیک شدن دو ملت ایران و افغانستان در پرتو آگاه‌شدن از مشترکات فرهنگی، زبانی و تاریخی؛ کمک به رشد و گسترش زبان فارسی در افغانستان و آگاه‌شدن از جای‌گاه و اهمیت شاه‌نامه فردوسی در این کشور.

۱۸. مهم‌ترین منابع و مأخذ فارسی و خارجی

ردیف	نام خانوادگی، نام	عنوان کتاب یا مقاله	مترجم	عنوان فصلنامه	محل نشر	ناشر	سال انتشار
۱	فردوسی، ابوالقاسم	شاه‌نامه فردوسی			تهران	قطره	۱۳۹۲
۲	غبار، میرغلام‌محمد	تاریخ ادبیات افغانستان			پیشاور	آرش	۱۳۷۸
۳	شهرانی، عنایت‌الله	ترکان پارسی‌گوی			کابل	کانون فرهنگی قیزیل چوپان	۱۳۹۴
۴	طرزی، محمود	ادب در فن (دیوانچه غزلیات محمود طرزی)			کابل	مطبعة دارالسلطنة کابل	۱۳۳۱
۵	پرهام، باقر	با نگاه فردوسی			تهران	نشر مرکز	۱۳۷۷
۶	مستان شاه کابلی	آتشکده وحدت: دیوان شعر			تهران	عرفان	۱۳۸۷
۷	پهلوان، چنگیز	نمونه‌های شعر امروز افغانستان			تهران	بنیاد نیشابور	۱۳۷۱



								۳
								۴
								۵
750.000.000	جمع هزینه							

براساس ضوابط آئین‌نامه‌های پژوهشی

سایر هزینه‌ها (تهیه منابع، چاپ و انتشار، مسافرت و...)

هزینه	شرح	ردیف	هزینه	شرح	ردیف
		۵			۱
		۶			۲
		۷			۳
		۸			۴
	مبلغ کل هزینه‌های اجرای طرح				

مراحل، زمانبندی اجرای تحقیق و شرح خدمات

نحوه ارائه گزارش	درصد پرداخت	پیش‌بینی زمان و درصد پیشرفت کار		شرح خدمات	عنوان مرحله	ردیف
		درصد پیشرفت کار	زمان لازم (روز)			
بدون ارائه گزارش	۲۰*	۰	۰		صفر	۱
	۳۰			ارائه گزارش مرحله اول	شرح خدمات گزارش مرحله اول طبق نظر مجری (۵۰ درصد از تحقیق)	۲
	۵۰	۱۰۰		ارائه گزارش نهایی	نهایی	۳

\* پرداخت ۲۰٪ از کل اعتبار قرارداد با اخذ تضمین به عنوان پیش پرداخت.